



((سوربز))

بهترین رمان آمریکای لاتین قرن بیستم

پرتال جامع علوم انسانی

نوشته‌ی: کارلوس آلبرت موتتانز

برگردان: نازنین نوذری

مورد دیکتاتوری تروخی یو است؟ به هر حال، رمان‌های مربوط به دیکتاتورهای آمریکای لاتین آن قدر زیادند که تقریباً یک گروه موضوعی می‌سازند. اما یک فرقی وجود دارد. جشن بز نر چیزی بیش از یک رمان تاریخی است، با ظالمی در کُنه آن. در وهله‌ی اول، سرشار از تمام آن چیزهایی است که یک رمان خوب باید داشته باشد: جذبه‌ی فزاینده در بافت آن این همان چیزی است که به عنوان «دوگانگی یا پارادوکس خواننده» شناخته شده: میل رسیدن به سرانجام برای دریافتن راز نهفته در اثر، و هم زمان ترس از فرا رسیدن آن لحظه و پایان یافتن کتاب و پایان یافتن لذت شدیدی که کنجکاوی برمی انگیزد. اما اشتباه نکنید:

از خودم می‌پرسم آیا می‌توان گفت بهترین رمان آمریکای لاتینی قرن ۲۰ کدام است. این نوع انتخاب همیشه سلیقه‌ای است، اما یک روزنامه‌ی بزرگ چاپ لندن به خود جرات انجام این کار را داده است: رمان جشن بز نر نوشته‌ی ماریو بارگاس یوسا. شاید درست حدس زده باشد. وقتی گابریل گارسیا مارکز - نویسنده‌ی دیگر بهترین رمان احتمالی - خواندن جشن بز نر را تمام کرد، مطلب بسیار با اهمیتی بیان کرد: «نباید با پیرمردی مثل من این کار را می‌کردند.» و مسلماً، عصبانی نبوده بلکه این یک تحسین صادقانه بود. چرا این کتاب یک روایت فوق العاده و شاید تنها روایت دقیق در

چشم بز نر تنها یک رمان اسرارآمیز در مورد وقایع بد نهانی خصوصی و پنهانی که برای قهرمان آن رخ می‌دهد نیست. مسئله بر سر ترکیب ژانرهای روایی است. در ضمن رمانی است پرماجرا: ماجراهای غم‌انگیز گروهی جوان که تصمیم می‌گیرند رافائل لئونیداس تروخی یو، دیکتاتور دُمینیکنی را بکشند. نحوه‌ی انجام آن قتل، نحوه‌ی برنامه ریزی سوءقصد، آن چه که بر سر هر یک از آنان می‌آید. مسلماً وقایعی هستند تاریخی و بارگاس یوسا اساساً از آن‌ها فاصله نمی‌گیرد، اما آن‌ها را همچون یک گزارش مهم و بزرگ نقل می‌کند که در آن ژانر داستان‌نویسی دیگری هم زمان شکل می‌گیرد: جشن بز نر، شاید قبل از هر چیز، یک رمان بزرگ روان‌شناسی باشد، که در آن هر یک از شخصیت‌های کلیدی ویژگی‌های خاص و عمیق خود را بروز می‌دهند، و ادغام عجیب و غریب باورها، ارزش‌ها، اعمال و ضد و نقیض‌هایی را نشان می‌دهد که تشکیل دهنده‌ی این شیوه‌ی سیاه و ژرف و اسرارآمیز یعنی همان وجدان انسان جانور است.

چیز دیگری هم هست؟ البته این کتاب توصیف دقیق و حساسی از شکل شیطانی را دربردارد که دیکتاتورها در اعمال قدرت به کار می‌گیرند و ترسی که در زیردستان خود به وجود می‌آورند تا روحشان را ببوشاند و پستی و فرومایگی که نوع رابطه‌ی قدرت برقرار می‌کند. ظالم و ستمگر تروخی یو است و دربار حلقه بگوشانش، یعنی زیردستان و لاف‌زنانش، دُمینیکنی هستند، اما تقریباً در هر کشور آمریکای لاتینی - به استثنای اوروگوئه و کاستاریکا - خوانندگان یواشکی چهره‌ها و اسامی شخصیت‌ها را در حین ورق زدن صفحات عوض می‌کنند. برای گواتمالایی‌ها، استرادا کابرا همچون شبی ظاهر می‌شود؛ برای ال‌سالوادوری‌ها، آن دیوانه‌ی بزرگ (کبیر) که ماکسی میلیانو ارناندس بود؛ برای نیکاراگوئه‌ای‌ها دوباره سوموتا زنده می‌شود؛ برای هندوراسی‌ها تی بورثیو کاری یاس؛ برای ونزوئلایی‌ها، خوان بینشته گومث؛ برای کلمبیایی‌ها، روخاس پی نیا، و به همین ترتیب می‌رسد به پرون، لگی‌یا، یا استرو اسنر پاراگوئه‌ای.

کتاب توصیفی دقیق و حساس از شکل شیطانی را دربردارد که دیکتاتورها در اعمال قدرت به کار می‌گیرند.

چه نیرویی، خدای بزرگ من! تروخی یو، بدترین آنان، موفق شد با شگفتی عجیبی سرآمد همه‌ی آن‌ها شود. ترکیب و خلاصه‌ای (جمع بندی) از همه‌ی آن‌هاست. آن قدر که یکی از بزرگان فرهنگ کوبایی، که عمیقاً از وضعیت کشور متنفر است، کاری کرد تا یک دوست دیپلمات، پنهانی دوازده نسخه از رمان بارگاس یوسا را برایش به هاوانا ببرد.

چرا؟ «برای این که کوبایی‌ها بفهمند که از چهل سال پیش تاکنون در این جزیره چه می‌گذرد. این مطمئن‌ترین و مؤثرترین روش است برای آن که کوبایی‌ها به خصلت بز نر خود ما پی ببرند.»

طبیعتاً، در سنت دُمینیکو است که کتاب بیشترین بحث را می‌انگیزد. دُمینیکنی‌ها خود را موظف کرده‌اند آن را همچون یک متن تاریخی بخوانند، بی این که متوجه بشوند که یک اثر تخیلی است در دل واقعیت، وقایعی که رخ دادند، اما در آن‌ها آنچه بارگاس یوسا اضافه می‌کند مهمترین است، یعنی آن چه که خلق یا جفت و جور می‌کند، آنچه که واقعاً اتفاق افتاده است. این - اشغال جاندار - رانرچی چی رینوس کیست، مشروطه خواه بئودو کیست؟ در واقع، هر گسی اختلاماً، الگوها ختی دُمینیکنی هم نیستند، بلکه ونزوئلایی، پرویی، آرژانتینی هستند: فردمانی که زمان‌نویس در یک آسیاب ریخته تا توده‌ای به دست آورد و بعدها از آن انسان‌هایی نو مخلوط شده با تکه‌هایی از تمام آن‌ها به دست آورد. دست آخر، نوبت به ابزار نویسندگی می‌رسد. از طرفی، زبان روشن و شفاف بارگاس یوسا، همواره با کلمات دقیق، اما در قالب کارگاهی بسیار محتاط که به رمان‌نویس امکان ادغام صحنه‌ها، دوره‌ها، شخصیت‌ها و صداها را می‌دهد، بی این که در هیچ لحظه خواننده سرنخ بحث را از دست بدهد یا قهرمانی که صحبت می‌کند یا فکر می‌کند را با کسانی که از آن‌ها اندیشه‌ها یا مشخصه‌های برجسته‌ای ذکر می‌شود، اشتباه بگیرد. احیاگر بزرگ ساختار رمان نویسی اسپانیایی همین جاست. از یک نویسنده‌ی دیگری به نام پلی نیو آپه‌له‌یو مندوثا شنیدم که پس از خواندن رمان جنگ آخر زمان نوشته‌ی یوسا چیزی گفت که اکنون باید آن را اصلاح کند. «نویغ ادبی یک شاهکار می‌نویسند، ۱۷ کتاب خوب و دو کتاب که باید از آن پشیمان شده باشند. ماریو اکنون ۱۳ کتاب عالی دارد و دو شاهکار، گفتگو در کاتدرال و جنگ آخر زمان. این خیلی زیاد از حد است.» اکنون شاهکارهای او سه اثر هستند: باید جشن بز نر را هم به آن‌ها اضافه کرد.

در سپتامبر ۲۰۰۳ جشن بز نر توسط خورخه علی تریانا، کارگردان تئاتر کلمبیایی در سالن رپرتوریو اسپانیول در منهن به روی صحنه رفت. خود یوسا می‌گوید که از اجرا بسیار حیرت کرد، کارگردانی بسیار عالی، و متن بسیار خوبی برای نمایش آماده و بازنویسی شده.

این نمایش تاکنون بیش از ۷۰ اجرا داشته که کار گروه نمایش خیلبرتو تالدیار است. به گفته‌ی دست‌اندرکاران تئاتر ایالات متحده، نمایش «جشن» که برگرفته از جشن بز نر نوشته یوسا است، از جمله نمایش‌هایی است که در میان آثاری که این گروه تاکنون به روی صحنه برده. بیشترین فروش را داشته است.

این کتاب توصیف دقیق و حساسی از شکل شیطانی را دربردارد که دیکتاتورها در اعمال قدرت به کار می‌گیرند و ترسی که در زیردستان خود به وجود می‌آورند تا روحشان را ببوشاند